

## در سوریه چه می‌گذرد؟

این نوشته از کتاب "خلیج" (Gulfen) نوشته خانم "Bitte Hammargren" ترجمه شده است.

کتاب درباره کشورهای عربی شبه‌جزیره عربی و خلیج است. اما بواسطه رابطه مهم این کشورها با سوریه، بخشی هم به سوریه اختصاص داده شده است. نویسنده بارها به کشورهای عربی سفر کرده و با دید تحلیلی به مسائل نگریسته است.

از آنجا که سوریه به واسطه جنگ داعش با کردها در کوبانی سرتیتر اخبار شده و رسانه‌ها بسیار کم به عمق مسائل می‌پردازند، خواندن این چند صفحه برای دانستن بیشتر خالی از فایده نخواهد بود.

## سوریه در تسخیر سلفی‌ها

### در یک نگاه

- جمعیت: ۲۲ میلیون. ۹۰٪ عرب و ۱۰٪ کرد. اکثریت با سنی‌هاست. ۴۰٪ به ائتیک‌ها و آیین‌هایی تعلق دارند که در اقلیت هستند. عرب‌های علوی (شاخه‌ای از مذهب شیعه) ۱۰٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند. قبل از جنگ به همین اندازه مسیحی وجود داشت مذاهب و ائتیک‌ها ترکیبی هستند از اسماعیلی، دروزی، ارمنی، آشوری، ارتودوکس یونانی، ترکمن و چرکس. جنگ موجب آوارشدن ۹,۵ میلیون (تقریباً ۴۰٪) به کشورهای همسایه و در کشور خودشان شده است.
- رئیس دولت: بشار اسد، رهبر حزب بعث. قبیله اسد از ۱۹۷۰ که حافظ اسد با کودتا حکومت را به دست گرفت، بر سوریه حکمرانی می‌کنند.
- جنگ داخلی: پانزدهم مارس ۲۰۱۱ تظاهرات صلح آمیزی در درعا صورت گرفت. سپس جوانان کم سن و سال که علیه حکومت شعار می‌دادند، دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفتند. تظاهرات ادامه یافت. رژیم اسد با خشونت با آن برخورد کرد. نظامی‌هایی که ارتش را رها کرده بودند، ارتش آزاد سوریه را تشکیل دادند. طولی نکشید هزاران نفر مسلح از گروه‌های مختلف پیدا شدند. شورشی‌ها بیشتر از جانب عربستان، قطر و ترکیه حمایت می‌شدند. گروه‌های جهادی امثال داعش از طرف شبه‌جزیره عربی تغذیه می‌شدند. داعش در پی تاسیس خلافت اسلامی است. یک رژیم افراطی سنی که مرزهای دولت‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد. دولت‌های روسیه، ایران، عراق و حزب‌الله لبنان از بشار اسد پشتیبانی می‌کنند. جنگ تا ماه پنجم ۲۰۱۴ به قیمت جان ۱۵۰ هزار نفر تمام شده است. بلندی‌های جولان توسط اسرائیل اشغال شده است.



سوریه و عراق در میانه تضاد شدید عربستان و ایران قرار گرفته‌اند. مبارزه‌ای برای سیادت بر منطقه همراه با تعصب مذهبی. ایران و عربستان هر دو حکومت‌های مذهبی خداسالار دارند، اما با مذاهب جداگانه. عربستان سنی وهابی است در حالی که ایران شیعه دوازده امامی است. مذهبی که در کشورهای دیگر عربی هم کم و بیش وجود دارد. ده‌ها سال این دو قدرت منطقه‌ای به صورت نیابتی باهم جنگیده‌اند. منافعشان در لبنان، بحرین، یمن و

عراق باهم رو در روست. گاه در مصاف سیاسی و گاه در برخوردهای نظامی از طریق جنگ نیابتی در مقابل همدیگر ایستاده‌اند.

عربستان روابطش را با اسد، متحد ایران، قطع کرده است و در عراق سفیر ندارد. نوری‌المالکی شیعه متحد ایران، زمام امور را به دست دارد. [بعد از نوشته شدن این کتاب نوری مالکی جایش را به عبادی، نفر دیگری از حزب‌الدعوه داده است. اما مسئله همان است که بود.]

سنی‌های عراق مالکی را یک متعصب انحصارگر شیعه می‌دانند، اما عربستان هم کمتر متعصب نیست. عربستان به‌طور رسمی بیشتر شورش‌های میانه‌رو را پشتیبانی می‌کند، اما شواهد زیادی وجود دارد که عربستان به‌طور غیررسمی و مخفیانه گروه‌های جهادی مانند النصره و داعش را تقویت کرده است.

زمانی که در ژوئیه ۲۰۱۴ داعش با حمله‌ای برق‌آسا دومین شهر عراق را اشغال کرد، رقابت بین ایران و عربستان شدیدتر شد. حمله برنامهریزی شده داعش تنها چند روز بعد از انتخابات در عراق صورت گرفت که در آن مالکی دوباره انتخاب شد. این اتفاق در رابطه با عراق می‌تواند چنین تلقی شود که نقشه سیاسی خاورمیانه باید تغییر کند. زمانی که موصل و تکریت به دست داعش افتاد، کردها هم کنترل شهر نفتی کرکوک را به دست گرفتند و در بخش خودمختار شمال عراق، کردستان جنوبی، جشن گرفتند. این پیروزی داعش به دست نمی‌آمد اگر آن‌ها ابتدا موقعیت خود را در سوریه تحکیم نمی‌کردند. به همان اندازه امکان نداشت اگر از پشتیبانی عشیره‌های محلی سنی و ارتش مخفی شده صدام برخوردار نبودند. فرماندهان ارتش عراق اولین کسانی بودند که لباس‌های نظامی‌شان را درآوردند و فرار کردند. سربازها هم دنباله‌روی کردند. اسلحه‌های ارتش فراری به دست جهادی‌ها افتاد.

سازمان‌های امنیتی دنیا در رختخواب غافلگیر شدند، هنگامی که خبر خالی کردن بانک مرکزی موصل پخش شد. آن‌ها به ۴۰۰ هزار دلار دست یافتند و این داعش را به ثروتمندترین گروه

تروریستی جهان تبدیل کرد. همزمان تانک و سلاح‌های سنگین دیگر را به دست آوردند و با این سلاح‌ها و دو هلیکوپتر به‌طرف نقاط دیگر عراق هجوم بردند. با تفکر وهابی در موصل قوانین تازه برقرار کردند. مصرف سیگار و الکل ممنوع شد. جزای دزدی بریدن دست شد. وقت نماز باید رعایت شود. زن‌ها باید یا در خانه بمانند، یا اگر بیرون می‌آیند عبای سرتابه‌پا و نقاب بزنند. روی پل دجله پارچه سیاهی آویزان شد که این احکام بر آن نوشته شده بود. در ویدئوکلپی که در یوتوب گذاشته شده بود اظهار می‌شد که هرکس مانند داعش زندگی نکند، سزایش مرگ است.

این شبخ پیشتر در شهر رقه سوریه که قبلا به‌دست داعش افتاده بود، دیده شده بود.

داعش مرزهایی مندرج در قرارداد "سایس-پیکو" که مابین انگلیس و فرانسه منعقد شده است را به رسمیت نمی‌شناسد. آن‌ها در واقع مرز عراق و سوریه را قبل از گرفتن موصل و تکریت (زادگاه صدام) شکسته بودند. داعش پیش از آن بر منابع نفت و آب شمال سوریه حاکم شده بود. حال با امکانات تازه‌ای که به‌دست آورده بود، می‌توانست به بخش‌های دیگری از سوریه دست یابد. به این صورت داعش به هدف اصلی خود نزدیک شد: تشکیل خلافت اسلامی. نوعی دولت مطابق با دید بسیار تندروانه از اسلام.

آنان در عراق با باقیمانده حزب بعث متحد شده بودند. در واقع این همکاری مخفی پس از اشغال عراق و سرنگونی صدام در ۲۰۰۳ به‌وجود آمد. در این اتحاد شخص کلیدی عزت‌الدوری ژنرال و معاون صدام بود. عزت‌الدوری با سازمان چند ملیتی اخوان‌المسلمین و نقش بندی که خود ارتش جداگانه دارد، همکاری می‌کند.

داعش سنی‌های معتدل و شیعه‌ها را منافق می‌داند و بر اساس تفکر وهابی این اشخاص سزایشان مرگ است. داعش سربازهای شیعه را "صفوی" می‌نامد. اصطلاح تحقیر کننده‌ای برای شیعه‌های قدیمی ایران. یکی از سخن‌گویانشان محل‌های مقدس شیعیان در کربلا و نجف را تهدید کرد. شیعه‌ها عرق سرد کردند و به‌یاد قتل‌عام توسط وهابی‌ها در سال ۱۸۰۲ در کربلا افتادند. جهادی‌ها می‌خواستند به‌طرف بغداد بروند، آیت‌اله بزرگ شیعه‌ها علی سیستانی هواداران خود را به مسلح شدن تشویق کرد. رئیس جمهور ایران روحانی نیز از در مبارزه علیه تروریسم به مالکی قول کمک داد و افزود با آمریکا همکاری کنید اگر دیدید که آمریکا با تروریست‌ها در عراق و جاهای دیگر برخورد می‌کند.

باراک اوباما بین دو صندلی گیر افتاد. از طرفی در عراق از مالکی (متحد ایران) پشتیبانی کرد و از طرف دیگر در سوریه جانب نیروهای مخالف ایران را می‌گرفت. اگر نیروهایش را علیه داعش به‌کار گیرد، متحدش عربستان را ناراضی می‌کند. کدام صندلی را می‌بایست انتخاب کند. بعد از عوض شدن بازی در خاورمیانه و پیشروی سریع داعش شکاف بین ایران و عربستان عمیق‌تر شد.

به گفته "دیاب سریا" سردبیر روزنامه‌ای که از مخالفین اسد حمایت می‌کند: این جنگ پر از تعصب، شدیدتر خواهد شد. او خود سال‌ها در زندان مخفی امنیتی سیدانیا در شمال دمشق زندانی بوده است. او که یک مخالف سکولار رژیم بوده با اسلام‌گرایانی که در ۲۰۰۸ در زندان شورش کردند هم‌زندان بوده است. او معتقد است که داعش استعداد بنیانگذاری خلافت را در بخشی از سوریه و عراق دارد، اما او باور ندارد که سنی‌ها بتوانند بر بغداد چیره شوند.

سئوال‌های دیگری هم مطرح است: آیا عربستان که به‌طور رسمی مهر تروریستی به داعش و النصره زده است، جهادی‌ها را علیه ایران و سوریه و عراق همانند خط دفاعی به‌کار خواهد برد؟ جواب سر یا یک آری نامطمئن است.

- عربستان دو نفع در این رابطه دارد. یکی این‌که داعش را علیه ایران و متحدانش به‌کار ببرد و دیگر این‌که تروریست در داخل مملکت خودش نخواهد داشت.

به‌طور رسمی عربستان اجازه سفر به جهادی‌ها نمی‌دهد، اما بر اساس آمار وزارت کشور عربستان ۱۲۰۰ نفر اهل سعودی به گروه‌های مخالف در سوریه پیوسته‌اند. برخی این شماره را بیشتر می‌دانند. من در سفر بهار ۲۰۱۴ به عربستان، با کسی صحبت می‌کردم که می‌گفت کسانی را شخصا می‌شناسد که در جهاد سوریه کشته شده‌اند.

در مارس ۲۰۱۴ "مانیه بن ناصر المانیه" حقوق‌دان سعودی اعلام کرد که به داعش پیوسته است. یکی از رابط‌های من تاکید کرد که این شخص بیشتر مشاور شاهزاده‌های سعودی بوده است.

شخص با اطلاع دیگری اظهار می‌کرد که ریاض به شرط شرکت در جهاد سوریه، زندانی‌ها را بخشیده است.

یکی از منتقدان رژیم عربستان می‌گوید: ما اسامی تعدادی از زندانی‌های آزاد شده را داریم. رژیم سعودی اجازه می‌دهد این اتفاق بیافتد. آن‌ها یا در سوریه از بین می‌روند یا به عنوان عامل تهدید خود را نشان می‌دهند.

پژوهشگر تبعیدی سعودی "مداوی الرشید" می‌گوید که ارتباط پادشاهی سعودی و جهادی‌ها یک امر کاملاً طبیعی است. ما از طریق کانال‌های رسمی می‌دانیم که عربستان سعودی تصمیم گرفته که به شورشیان مخالف رژیم سوریه اسلحه بدهد. من فکر می‌کنم جهادی‌ها و رژیم سعودی در هم بافته شده‌اند. آن‌ها همدیگر را خوب می‌شناسند. دولت سعودی خود بر اساس ایدئولوژی جهادیسیم بنیان‌گذاری شده است. برای رژیم دشوار است با بنیاد ایدئولوژی خودش مبارزه کند. جهاد همیشه بخشی از تفکر اسلامی بوده است.

او اضافه می‌کند: "جنگ علیه ترور" که بعد از سپتامبر ۲۰۰۱ توسط اداره بوش اعلام شد، باد به آتش جهادیسیم بود. توقیف‌های غیرقانونی توسط آمریکا، زندان گوانتانامو و دیگر زندان‌های مخفی عکس‌العمل به‌وجود آورد. بوش می‌خواست با تفکر جهادیسیم مبارزه کند بدون این‌که بفهمد که چرا این همه به‌طرف جهادیسیم کشیده می‌شوند. زمینه جهادیسیم در این همه بی‌عدالتی است که در بر مسلمانان دنیا می‌رود. سرمایه‌هایشان را غارت می‌کنند، فلسطینی‌ها را تحقیر می‌کنند، قربانیان بمباران‌های کور در یمن و افغانستان ...

در زندان آمریایی گوانتانامو ۱۳۳ سعودی وجود داشت. بیشترین تعداد از یک کشور در جنگ آمریکا علیه ترور.

کسانی این را با کار شاهزاده بندر رئیس سرویس مخفی عربستان مقایسه می‌کنند که در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۴ سفیر عربستان در آمریکا بود و جهادی‌ها را در افغانستان پشتیبانی می‌کرد.

مداوی می‌گوید: در سوریه چه می‌گذرد فقط سازمان امنیت سوریه می‌داند. ما فقط می‌دانیم که دولت سعودی با جهادی‌ها رابطه دارد و سوریه هم برایش بسیار مهم است.

تفاوت‌هایی بین داعش و النصره وجود دارد. النصره توسط شخصی به نام محمد الجولانی رهبری می‌شود که سوریه‌ای است. داعش را ابوبکر بغدادی رهبری می‌کند که عراقی است. این دو گروه در شمال شرقی سوریه باهم درگیر شدند. امیر داعش رهبر القاعده "ایمن زواهری" را هم به مبارزه طلبیده است.

برای سازمان حقوق بشر سوریه هر دو گروه افراطی هستند. اما از درعا تا الیپو در شمال، مردم معمولی النصره را راحت‌تر می‌پذیرند چون که افراد این گروه سوریه‌ای هستند و به مردم عادی به یک چشم نگاه می‌کنند.

محمد عبدالله از چهره‌های شناخته شده مخالف می‌گوید: النصره اجازه می‌دهد روزنامه‌نگارها و سازمان‌های انساندوست کارشان را انجام دهند و آن‌ها را کافر خطاب نمی‌کنند.

برادر و پدر عبدالله در زندان رژیم اسد بوده‌اند و او خود پناهنده لبنان است. امروز او سازمان مرکز حقوقی سوریه در واشنگتن را اداره می‌کند.

- داعش روزنامه‌نگارها را گروگان می‌گیرد، به دکترهایی که می‌خواهند به زخمی‌ها حتی در جبهه کمک کنند مانند طعمه نگاه می‌کند.

عبدالله از دیدن وحشیگری و سربریدن‌های داعش برای ترساندن دیگران، بسیار ناراحت بود. او با بغض در گلو از ویدئوی دست بریدن در انظار عموم حرف می‌زد. "مرا بهیاد سزای بدنی در سعودیه می‌اندازد"

محمد عبدالله از النصره دفاع نمی‌کند

- اما آن‌ها زیرک‌تر از داعش بودند که با مردم عادی کار نداشتند و سعی نکردند تغییرات بسیار عمیق در نحوه زندگی مردم به‌وجود بیاورند. آن‌ها می‌خواهند قدم به قدم جلو بروند. درازمدت النصره می‌تواند خطرناک‌تر باشد، چون می‌خواهد خودش را برای مردم عادی معقول جلوه دهد. در حالی که داعش اصلاً مردم برایش مهم نیستند. در نهایت النصره یک گروه نظامی، مذهبی، ایدئولوژیک است.

دیاب سریا سردبیر روزنامه و متخصص جهادیسیم می‌گوید: شرایط در سوریه و عراق می‌تواند منجر به نزدیک شدن این دو گروه به همدیگر شود برای مبارزه علیه ایران و متحدانش. اما باور نمی‌کنم که زیر چتر یک رهبری جمع شوند.

## جهادیسست‌ها زمین ناهمواری را صاحب شدند

ابتدا در میان مخالفان سوریه جهادیسست دیده نمی‌شد. زمانی که تظاهرات مارس ۲۰۱۱ شروع شد، کسی این حرف اسد را جدی نگرفت که می‌گفت مخالفان تروریست هستند. حتی آن وقتی که ارتش

آزاد برای دفاع از دهات و محله‌هایی که بیرحمانه مورد بمباران رژیم اسد قرار می‌گرفت، تشکیل شد، باز هم این حرف اسد به‌جایی نرسید. بعدها در تابستان ۲۰۱۲ جهادی‌ها این زمین ناهموار را صاحب شدند. وقتی که عکس سربریدن‌هایشان پخش شد، دید در مورد مخالفان تغییر کرد. سازمان‌های امنیتی اروپا گزارش‌هایی حاوی رفتن جوانان اروپایی به صفوف القاعده یا آنچه که تکفیری خوانده می‌شدند، به دستشان رسید.

مخالفین اسد همانند دپارتمان آمریکا اظهار می‌کردند که رژیم اسد جهادی‌ها را تشویق می‌کند. می‌شد فکر کرد که این پارادوکس وجود داشت. چون بعد از اشغال عراق توسط آمریکا در ۲۰۰۳ سوریه جهادی‌های سنی را به همسایه شرقی می‌فرستاد که با نیروی آمریکایی و متحدانش بجنگند. اما به‌زودی بومرنگ برگشت و به صورت داعش به سوریه برگشتند.

مدارک کافی در دست است که سوریه محل تجمع جهادی‌های خارجی بود که می‌خواستند به عراق بروند. این ارتباط‌ها خمیرمایه به‌وجود آمدن سازمان‌های تروریستی بود که مردم سوریه را مورد حمله قرار داد.

آن‌هایی که عینک فرقه‌گرایی به‌چشم داشتند، صدام حسین را مانند نماینده مسلمانان سنی می‌دیدند که ابتدا به ایران شیعه حمله کرد و بعد برای جبران قرض‌هایش کویت را اشغال کرد. اما آن‌هایی که عینک سوری به چشم داشتند نقشه بوش رئیس‌جمهور آمریکا را می‌دیدند که در پی تغییر نقشه خاورمیانه است. اگر آمریکا توانست صدام را سرنگون کند، رژیم اسد هدف بعدی خواهد بود - تئوری دومینو- بوش سوریه را در لیست قدرت‌های شیطنانی خویش قرار داده بود.

حزب بعث عراق و سوریه یک آبشخور دارند، هر دو دارای ایدئولوژی پان عربیست هستند، اما در پس حرف‌های ظاهری هر دو به‌دنبال حفظ رژیم‌هایشان بودند. اغلب رقابت سختی باهم داشتند. هر دو رژیم جزو اقلیت‌های سرزمینشان بودند. علوی‌های شیعه که خانواده اسد از آن‌هاست در اقلیت هستند و اکثریت سنی هستند. در عراق سنی‌ها اقلیت‌اند و شیعه‌ها اکثریت. اقلیت بزرگ کرد هم در شمال عراق وجود دارد.

در ۲۰۰۳ بشار اسد هنوز چهار ساله نشده بود [طبق قانون اساسی سوریه رئیس‌جمهور میبایست *چهار ساله باشد. به‌خاطر بشار اسد ۳۷ ساله، قانون اساسی را تغییر دادند به ۳۷ سال- م*] پشت سر این رئیس‌جمهور جوان یک قبیله مافیایی قرار داشت که سهم شیر را از اقتصاد می‌بردند. سازمان امنیت هم فقط در حال سرکوب دگراندیشان بود. عموزاده رئیس‌جمهور "رامی مخلوف" ۶۰٪ اقتصاد سوریه را در دست دارد. نفت و گاز، بانک‌ها، تلفن، هواپیمایی و شرکت‌های خانه‌سازی همه در انحصار اوست. اگر اسد سرنگون شود، قوم و اقربا این امکانات را از دست می‌دهند. سر باید سلامت باشد. البته آن‌ها خاطره تبعیض و فشار علیه خودشان در زمان عثمانی‌ها را از یاد نبرده‌اند.

جنگ سال ۲۰۰۳ راه را برای اسد باز کرد که سربازهای سنی را مانند جهادی برای جنگ به عراق بفرستد. و شیخ احمد کفتارو مفتی دمشق در پشتیبانی از جهادی‌ها فتوا داد که سوری‌ها باید در عراق بجنگند. این مفتی ۹۲ ساله حمله انتحاری علیه نیروهای آمریکایی و انگلیسی را مجاز دانست.

## رابطه عراق ۲۰۰۳ با سوریه ۲۰۱۳

چند سال بعد تعداد زیادی از جهادی‌هایی که در عراق جنگیده بودند به زندان امنیتی "سیدانیه" در سوریه افتادند. زمانی که تظاهرات در ۲۰۱۱ علیه اسد شروع شد، صدها زندانی امنیتی آزاد شدند. در میان آن‌ها کسان خطرناکی وجود داشتند که در ۲۰۰۸ در زندان سورس کرده بودند. "بسام الکواتی" که در بخش صلح سازمان اتحاد ملی کار می‌کند نظرش این است که:

- تعداد زیادی از جنایت‌کاران و اسلامی‌هایی که رژیم اسد آزادشان کرد، قبلاً تعلیم یافته بودند و به عراق فرستاده شده بودند. در یک توافق با آمریکا به زندان‌های سوریه فرستاده شدند. بخشی از این‌ها قبلاً با سازمان امنیت سوریه در تماس بودند، در حالی که بقیه فقط ارتجاعی بودند، اما رژیم می‌دانست چگونه با آن‌ها معامله کند.

رژیم در حالی که تظاهر کننده‌های صلح‌جو را شکار می‌کرد و به زندان می‌انداخت و شکنجه می‌کرد، زندانی‌های خطرناک را آزاد می‌کرد

"دیاسریا" که خودش از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ در زندان بوده است می‌گوید:

- رژیم ۹۰۰ زندانی را از سیدانیه آزاد کرد که بیشترشان سلفی بودند. همه نام‌های شناخته شده نیستند، اما اغلبشان مسئول بخش‌هایی شدند و از آن زمان به بعد به جنگ پرداختند. تعداد زیادی به النصره پیوستند. بقیه مقام‌هایی در دادگاه‌های شریعت در آلیو گرفتند. سلسله مراتب قاضی‌های شرع برحسب سال‌هایی است که در زندان بوده‌اند.

"ابو محمد جولانی" رهبر النصره هم شامل بخشش شده بود، اما معلوم نیست او در زندان سیدانیه بوده باشد، چون هویت واقعی‌اش معلوم نیست.

"زهرا نهلوش" یکی از چهره‌های قوی شورشی که فرمانده ارتش اسلام است نیز در بین آزادشدگان بود. قدرت او ناشی از مرکز اسلامی قطر است که خارج از ارتش آزاد سوریه عمل می‌کند. نهلوش پسر یک قاضی اسلامی است که در عربستان مسکن دارد. سرپا می‌گوید: او در زندان هم ژست رهبرها را داشت.

بسام الکواتی می‌گوید: داعش بعد از آزاد شدن زندانی‌ها شروع به برپایی مقرهایی در شمال سوریه کرد.

منشاء تفکر داعش و النصره در سلفیسم عربستان سعودی است. در غرب ابتدا تنها النصره مورد توجه قرار گرفت و توسط آمریکا مهر تروریست خورد.

یک سیاسی کرد به نام "عبدالکریم عمر" نماینده بخش خودمدیریت شمال سوریه (روژئاوا) که او سخنگوی برون مرزی آن است، مورد حمله انتحاری داعش قرار گرفت. حمله کننده هدفش را اشتباه گرفت. محافظ همراه او کشته شد. او می‌گوید:

- مابین سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۴ ششصد نفر در حمله‌های داعش از دست دادیم. ما صدها حمله انتحاری را خنثی کردیم. همه دستگیر شده‌ها غیر سوری‌های بودند. یک تعداد اروپایی هم بودند، بعضی‌ها کرد عراق بودند. تروریسم هیچ مذهب و مرزی نمی‌شناسد.
- بمراه انداختن یک حرکت شورشی پول لازم دارد. گروه‌های سلفی ابتدا نقاط استراتژیک مرزی و منابع نفت و آب را هدف قرار دادند.
- بسام که خود در بخش انرژی کار کرده است شرح می‌دهد که چگونه النصره منابع نفت دیرالزور در شمال شرقی سوریه را به کنترل خود درآورد.
- آن‌ها لوله‌های نفت بر رژیم را کنترل می‌کنند. رژیم برای دریافت نفت به آن‌ها پول می‌دهد. این لوله‌ها نفت را به پالایشگاه‌های رژیم می‌رسانند و از آن‌جا به بنادر فرستاده می‌شود. شورشی‌ها می‌توانند جریان نفت را قطع کنند، اما آن‌ها در ازای پول اجازه می‌دهند تولید ادامه پیدا کند.
- معامله بین رژیم و مردم مناطق زیر سلطه مخالفانش ادامه دارد. کسانی که از خارج پول برای خویشاوندانشان به این مناطق می‌فرستند، دلار می‌فرستند. آن‌ها برای تبدیل دلار به پوند سوری‌های رابط‌هایی در رژیم دارند که پول سوری‌های در دست آن‌هاست. به این صورت گرچه داعش در ۲۰۱۳ پرچم سیاهش را در "رقه" برافراشت، اما کارمندان هنوز می‌توانند حقوقشان را از دمشق دریافت کنند.
- "کواتی" می‌گوید: کسانی هستند که از رقه به دمشق می‌روند، حقوق کارمندان را می‌گیرند و در محافظت رژیم و سپس داعش باز می‌گردند.
- "لینا خطیب" رئیس رسانه‌ها در بیروت تایید می‌کند که معامله بین رژیم اسد و النصره و داعش در مورد خرید نفت خام برای پالایشگاه حمس و بنیاس برقرار است. جنگ تولید نفت را متوقف نکرده است. بنزین ارزان سوریه از طریق رودخانه اوروون به ترکیه قاچاق می‌شود. یا از طریق کوه‌ها به لبنان می‌آید.
- این قاچاق کردن در حالی است که مردم سوریه نفت برای پختن غذا یا گرم کردن چادرهایشان در برف و سرما ندارند.
- مردم عادی سوریه بین چکش و سندان گیر کرده‌اند. در کافه‌ای در آکسارای استانبول، جایی که پناهنده‌ها از هر کشوری در آن‌جا می‌لولند، با مرد واقع‌بینی آشنا شدم. او می‌گوید:
- هیچ‌کس نمی‌خواهد زندگیش را در ارتش رسمی اسد به خطر بیاندازد یا برای گروهی بجنگد که به آن اعتقاد ندارد.
- هدف او و آن‌های دیگر این بود که راه خطرناک رفتن به اروپا را انتخاب کنند، بخصوص به سوئد. یکی از آن‌ها خود قاچاقچی آدم شده بود که بتواند پول سفرش را تهیه کند.
- به‌نظر این مرد علت شکست انقلاب عدم دخالت غرب، پشتیبانی روسیه از اسد، رقابت کشورهای خلیج و قرارگرفتن جهادی‌ها در نک پیکان مبارزه بود. همچون درسی از مبارزه بوسنیایی‌ها در



۱۹۹۰. آن‌ها نمی‌خواستند جهادی‌های خارجی در سوریه دخالت کنند. آن‌ها فقط درد را بیشتر می‌کنند، اما موجی از این‌ها آمدند. از عراق، از لیبی، یمن، سومالی، عربستان سعودی، چین، مصر، بالکان و کشورهای بازار مشترک اروپا. بیشتر این خارجی‌ها به داعش پیوستند.

## چه کسی خرج جهادیت‌ها را می‌دهد؟

بر اساس گفته‌های وزارت خارجه آمریکا اشخاص غیر دولتی در شبه‌جزیره عربستان خرج تروریست‌های سنی در سوریه را می‌دهند. داعش و النصره از این طریق به میلیون‌ها دلار دست پیدا کرده‌اند. حواله‌ها از طریق قطر و کویت جابه‌جا می‌شوند. دو دلیل برای این پشتیبانی کویت وجود دارد. یکی این‌که قانون جابه‌جایی پول در کویت آسانگیرانه‌تر از عربستان سعودی است.

بنا به اظهار "کارنگی انداومننت برای صلح بین‌الملل" اعضاء مجلس و قاضی‌های کویت یک محل به‌نام دیوانیه جهت فرستادن حواله‌ها باز کرده‌اند.

گزارش وزارت خارجه آمریکا در باره تروریسم هیچ اشاره‌ای به کمک‌های دولتی عربستان ندارد. عربستان به‌طور رسمی به سلفی‌های سوریه کمک نمی‌کند، اما بسیاری از آگاهان که من در پایتخت‌های کشورهای عربی با آن‌ها صحبت کرده‌ام، می‌گویند که عربستان به ثروتمندان اجازه می‌دهد که به سلفی‌ها کمک‌های مالی برسانند، به امید این‌که آن‌ها حزب‌الله لبنان، رژیم سوریه، ایران و مالکی را در عراق را از پای درآورند.

"لینا خطیب" از کارنگی اشاره می‌کند که در میان کمک‌کنندگان به داعش شاهزاده‌های میلیاردی در شبه‌جزیره عربی وجود دارند که اغلب نماینده دولت خودشان نیستند.

یک مامور سیاسی سوریه‌ای که نخواست نامش فاش شود می‌گوید: دست ایران شیعه از طریق بغداد به رژیم علوی سوریه و از آن‌جا به حزب‌الله لبنان می‌رسد. و این مشکل اصلی عربستان است. به همین خاطر عربستان از بودن داعش در سوریه و عراق سود می‌برد.

- سعودی نمی‌تواند به‌طور رسمی از سلفی‌ها پشتیبانی کند، اما وقتی که ثروتمندهای عربستان برای آن‌ها پول می‌فرستند، چشم پوشی می‌کند. دولت عربستان جرات مقابله با وهابی‌ها را ندارد.

## فهرست ترور عربستان سعودی

در مارس ۲۰۱۴ عربستان النصره را به عنوان تروریست شناخت. این کار درست قبل از دیدار اوباما از عربستان انجام گرفت. یک نوع نشان دادن رقابت با قطر. ناظران می‌گویند که قطر و ترکیه جبهه النصره را، زمانی‌که به شمال شرقی سوریه حمله کردند و شهر مرزی قصاب را در سال چهارم گرفتند، پشتیبانی کردند. قطر با این پشتیبانی می‌خواست به عربستان نشان دهد که او توان بیشتری در آلپو دارد.

یک ناظر سوری می‌گوید: رقابت قطر و سعودی شورشی‌ها را ضعیف کرد.

در بهار ۲۰۱۴ گروه‌های شورشی در آلیو نمی‌خواستند بیش از آن آلت دست عربستان باشند.

یک منبع اظهار می‌دارد که ما به قطر نیاز داریم چون به اسلحه احتیاج داریم، اما قطر به گروه‌های بیشتری در سوریه نیاز دارد. وگرنه در مبارزه‌اش با ایران و سوریه شکست خواهد خورد.

عربستان سعودی با فراخواندن جهادی‌ها از سوریه، خطر کرد. در بهار ۲۰۱۴ ریاض به جنگجویان سعودی در جبهه النصره و داعش اخطار کرد که دو هفته وقت دارند برگردند و خودشان را معرفی کنند وگرنه زندان از سه تا بیست سال در انتظارشان خواهد بود.

عربستان اخوان المسلمین را هم در فهرست ترور قرار داد که ضربه‌ای به قطر بود. بخش سوری اخوان که بزرگترین سازمان سوری در جبهه ملی سوریه SNC است از تکفیر مستثنی شد. اخوان سوری برای خشنود کردن عربستان از شخص مورد علاقه ریاض در جبهه ملی "احمد جربا" پشتیبانی کرد. اما او رهبر ضعیفی بود.

## دخالت کشورهای خلیج

هرچقدر مجادله بیشتر طول بکشد و مردم سوریه بیشتر احساس تسلط خارجی کنند، دخالت و تسلط کشورهای حاشیه خلیج یا اشخاص دارا بر رهبران جنگ بیشتر خواهد شد.

عربستان سعودی یک شیوه برای مسلح کردن دارد. مرکزی در عمان وجود دارد به نام (clearing house) که در آنجا آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها می‌توانند بر تقسیم اسلحه نظارت کنند و بدانند که چه اسلحه‌ای به دست کدام گروه می‌رسد. اردن انکار می‌کند که از مرزهایش برای بردن اسلحه جهت مخالفین سوریه استفاده می‌شود. اما دیپلمات‌ها معتقدند که اردن علاقه دارد اسلحه سنگین برای مخالفین میانه‌رو فرستاده شود.

در فوریه ۲۰۱۳ در کویت سیتی من از شاهزاده "تورکی الفیصل" رئیس پیشین سازمان امنیت عربستان شنیدم که برای فرستادن اسلحه پیشرفته جهت ارتش آزاد سوریه، بدون این‌که به دست جهادی‌ها بیافتد، دلیل می‌آورد که اسلحه‌های پیشرفته کنترل از راه دور دارند. یک سال بعد، شورشی‌ها توسط سازمان ملل در درعا اسلحه آمریکایی دریافت کردند، اما بدون ضد هوایی، چیزی که آن‌ها درخواست کرده بودند. به هر حال این موجب شد که گروه‌های شورشی برای اولین بار باهم متحد شوند و موفق شدند چند شهر کوچک اطراف درعا را تصرف کنند. رژیم نمی‌تواند مخالفین را درعا سرکوب کند. در آنجا روابط محکمی بین عشایر وجود دارد. یک عشیره ۳۰ هزار عضو دارد، دیگری ۸۰ هزار. در درعا داعش وجود ندارد. یک پسر شهری می‌گفت: عشیره‌ها هیچ‌وقت اجازه نمی‌دهند.

## زیر پرچم سیاه القاعده

در طول مرزهای طولانی ترکیه با سوریه مامورهای جلب عضو با جیب‌های پر از پول، می‌گردند. مامور داعش هم هست. آن‌ها مردان خارجی جوان را شکار می‌کنند تا گوشت دم توپ جنگ یا قربانی حمله انتحاری باشند.

در مقایسه با جذب جنگجو در افغانستان در ۱۹۸۰ یا سال ۲۰۰۰ در عراق، جلب و جذب خارجی‌ها به سوریه آسان‌تر است.

سلمان شیخ رئیس مرکز بروکینگ در دوحه می‌گوید: در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۲ بین ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر جنگجوی خارجی به افغانستان رفت. در مدت ۱۸ ماه به همین اندازه جذب سوریه شده‌اند. همه جهادی نیستند. برخی در عراق بوده‌اند و تا اندازه‌ای معتدل شده‌اند. در مناطق زیردستان به کارهای کنترل اجتماعی می‌پردازند.

در پائیز ۲۰۱۳ از حدود ۱۵۰۰ جنگجوی خارجی که به مخالفین پیوسته‌اند، ۷۰ تا ۷۵ درصد از کشورهای عربی بوده‌اند و حدود ۱۰۰۰ نفر از اروپا. اما تعداد به سرعت بالا رفت و این شروع مستقر شدن افراطی‌گری در دراز مدت بود.

- آن‌ها محل‌های مطمئن منابع مالی به اضافه نفت و پشتیبانی مالی از جانب اشخاص ثروتمند، و نه الزاما از جانب دولت‌ها، دارند.
- یک نفر که از آن‌ها جدا شده بود اعضاء مرتبط با القاعده در سوریه را بین ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر تخمین می‌زد.
- ثروتمندهای سنی زیادی در سوریه هستند که به امید پیروزی جهادی‌ها بر رژیم اسد، به آن‌ها کمک مالی می‌رسانند.

در اوائل ۲۰۱۴ منابع نفتی سوریه به دست داعش و النصره افتاد. در مصاحبه‌ای با الجزیره "ابو محمد جولانی" رئیس النصره به ترس دولت‌های عربی از ایران اشاره کرد و گفت که آب شدن یخ‌های مابین واشنگتن و تهران باعث برخاستن موج خروشان شیعه به طرف شبه‌جزیره عربی خواهد شد.

او اضافه می‌کند: اگر اسد در حکومت باقی بماند، چیزی که قدرت‌های بزرگ و ایران می‌خواهند، شبه‌جزیره عربی هدف بعدی خواهد بود.

در نزد دولت‌های عربی خلیج این ترس از ایران جدی است، چه از طریق تئوری تنفر علیه شیعه و چه ترس از سیاست ژئوپولیتیک تهران. منتقدین قطر این مصاحبه را مانند کوشش قطر برای فروختن جبهه النصره به سنی‌های سوریه می‌دانند.

اخضر ابراهیمی مامور سازمان ملل عنوان کرد که سوریه در آینده مانند سومالی خواهد شد. تعدادی دولت‌های محلی با فرماندهان جنگی محلی. بسیاری از سوری‌ها این را تایید می‌کردند.

یک آواره بعد از اشغال موصل می‌گوید: این پایان دولت‌های عراق و سوریه است.

حدس کسانی در مورد سوریه این است که سرانجام سوریه مانند قرارداد لغزان "دایتون" در بوسنی یا معاهده تایف در مورد لبنان خواهد بود. یعنی سرزمین بین سکت‌ها تقسیم خواهد شد. کانتون‌هایی به سرکردگی فرماندهان نظامی به‌وجود می‌آید که هرکدام طرفدار کشورهای چونی ایران، عربستان سعودی، قطر، ترکیه و شاید اسرائیل خواهند بود.

- تنها راه جلوگیری از حمام خون این است که روسیه و ایران به اسد فشار بیاورند که کنار بکشد. مانند فشاری که عربستان به "علی عبدالله صالح" در یمن آورد که جا برای یک دولت انتقالی خالی کند. این را یکی از فراریان از دمشق می‌گویند که آرزو می‌کند هرچه زودتر حمام خون پایان یابد.

اما روسیه می‌خواهد بر ارتش سوریه کنترل داشته باشد. تعلیم و تسلیح آن‌ها را ادامه دهد. پایگاه دریائیش را در تارتوس و سیستم رادار علیه ناتو و ترکیه را حفظ کند. مسکو نمی‌خواهد ایران و قطر در فرستادن گاز به اروپا از طریق سوریه رقیبش شوند.

رابطه ایران با بشار اسد یک ازدواج مودبانه است که بر منافع هردو بنیان‌گذاری شده است. تهران که از دمشق پشتیبانی نظامی می‌کند، ممکن است اسد را قربانی کند، اما در ازاء پیدا کردن جانشین دیگری. در این صورت لازم است آمریکا و دول عربی خلیج نقش منطقه‌ای و رابطه استراتژیک او با حزب‌الله را قبول کنند. ایران می‌خواهد در سوریه، شیعه دوازده امامی جانشین کند. در ماه می ۲۰۱۴ یکی از فرماندهان سپاه پاسداران اعلام کرد که شاخه حزب‌الله سوریه را در کنار حزب‌الله لبنان تشکیل می‌دهند. این درست به معنی ساختن جانشین برای اسد است.

لینا خطیب می‌گوید: روزی که ایران به اسد احتیاج نداشته باشد، او را کنار خواهد گذاشت.

بسیاری از ناظران با خطیب هم‌عقیده‌اند: ایران خطرناکتر می‌شود اگر از روابط بین‌الملل کنار گذاشته شود.

زمانی که آمریکا قبول نکرد که ایران در گفتگوی ژنو (۲۰۱۴) شرکت کند، به خواست عربستان بود. عربستان مخالفت کرد. آمریکا پیشتر مذاکره با ایران را بر سر مسئله اتمی شروع کرده بود. البته فضای دیپلماتیک غرب پس از مسئله کریمه و اوکراین با روسیه تند شده بود.

ریاض استراتژیستش را در سرنگونی صدام ۲۰۰۳ باخته بود، چون ایران بر عراق مستولی شد و او شاهد آن بود که چگونه حزب‌الله در عراق جای پا پیدا کرد. حال ایران برای حمل سلاح جهت حزب‌الله نیازی به سوریه ندارد، هواپیماهایش می‌توانند مستقیماً از بغداد به بیروت پرواز کنند.

نگرانی از عقب‌نشینی‌های ژئوپولیتیک بیشتر سعودیه را عصبی کرده است. دلیلی که شاه عبدالله و وزیر خارجه و ولیعهدش "سلمان" را ناچار به بازنگری می‌کند. عربستان سخت کوشید که یک کرسی در شورای امنیت سازمان ملل در ۲۰۱۳ به‌دست آورد، اما وقتی به آن رسید با کمال تعجب از پذیرفتن آن سر باز زد. چیزی که سیاست خارجی عربستان را لجبازانه و خودسر نشان داد.

من با روشنفکرانی در سعودیه روبرو شدم که باصدای بلند می‌گفتند: حال که دوران احمدی نژاد بسر آمده، زمان آن فرا رسیده که ریاض با تهران وارد گفتگو شود.

خالد المایین سردبیر عرب نیوز و بعدها گازت، می‌گوید:

- وقتی که روحانی دست به‌کار شد شاخه زیتون در دست داشت. دولت‌های عربی می‌بایست به او خوشامد بگویند و این شانس را به او بدهند.

ممنوعیت احزاب در عربستان میدان را برای علمای سلفی خالی گذاشته است. دولت ریاض می‌خواهد که دنیا جهادی‌های سوریه را مانند منفردین بی‌پروا بدانند، اما مداوی الرشید خودش را متقاعد نکرده است:

- عربستان از آن کشورهایایی نیست که مذهب را جدا از جامعه بداند. در عربستان مذهب و دولت یک واحد هستند و همدیگر را تقویت می‌کنند. دولت بودجه مراکز مذهبی را تامین می‌کند و بر آن‌ها نظارت دارد. در مقابل رهبران مذهبی دستورات دولت را تایید می‌کنند. آن‌ها ممکن است در مواردی باهم اختلاف داشته باشند، به ویژه در رابطه با جامعه، اما در کل یک هماهنگی مابین آن‌ها وجود دارد. [درست مانند ایران]

سازمان ممنوعه حقوق بشر (ACPR) که توسط پروفیسور زندانی "محمد فهد القطانی" بنیان‌گذاری شده، از دولت سعودی خواست که مسئولیتش را در قبال سعودی‌هایی که به جهاد رفته‌اند بپذیرد. این سازمان یادآوری کرد که از زمانی که عربستان جوانان را برای جهاد به جبهه‌های بوسنی و افغانستان می‌فرستاد، مدت زیادی سپری نشده است. اما سؤال چه کسی جهادی‌های سوریه را پشتیبانی مالی می‌کند، با سکوت مواجه می‌شود.

سخن مداوی الرشید این است که حق همیشه با دولت است و سیاست آن‌ها هیچگاه موضوع بحث واقع نمی‌شود.

جهادیسیم در سوریه اولین پیشرفت را در ۲۰۱۳ به‌دست آورد. زمانی‌که شاهزاده بندر بن سلطان سفیر قبلی سعودی در واشنگتن به سمت رئیس سازمان امنیت منسوب شد. اما درست قبل از سفر او با ما مسئولیت لبنان و سوریه را از او گرفتند. او با ما از شاهزاده بندر که دوست خانواده بوش بود، بیزار است. مدت کوتاهی بعد از آن، بندر مسئولیت ضد جاسوسی را هم از دست داد. یک آگاه به مسائل عربستان می‌گوید که این عمل زیر فشار رئیس (CIA) "جان برنان" صورت گرفته است.

## رقابت در میان کشورهای خلیج

هنگامی‌که در تابستان ۲۰۱۳ شاه در قطر عوض شد کنترل دوحه بر مخالفین سوریه کم شد. به‌جای آن عربستان از طریق وابسته‌اش "احمد جربا" بر جبهه ملی دست یافت. امارات عربی هم در کنارش نشست. قطر بر آن شد که گروه‌های رقیب را پشتیبانی کند. ابزار کار برای دوحه جبهه اسلامی بود که هزاران مسلح داشت.

خالد عطیه وزیر کشور قطر ۱۰-۱۲ فرمانده گروه‌های مختلف را در ۲۰۱۳ به یک جلسه در ترکیه دعوت کرد. او موفق شد آن‌ها را علیه ارتش آزاد سوریه سازمان بدهد.

در حالی که جبهه ملی خود را برای گفتگوهای ژنو آماده می‌کرد، قطر ۵۵۰۰ تصویر دیجیتال منتشر کرد که گفته می‌شد مربوط به شکنجه‌گاه‌های رژیم سوریه است و توسط یک عکاس نظامی فراری شده گرفته شده‌اند. منتخبی از این عکس‌ها که مربوط به هزاران زندانی کشته شده بودند در جلسه شورای امنیت سازمان ملل نشان داده شدند. "سامانتا پاور" نماینده آمریکا در سازمان ملل گفت: کسی که این عکس‌ها را دیده باشد هرگز به خودش باز نخواهد گشت. تحلیل‌گران سوریه معتقدند که قطر می‌خواست کوشش عربستان برای برپایی گفتگوهای ژنو را بی‌ثمر کند که گویا آن‌ها با آدمکش‌ها و شکنجه‌گران مصالحه می‌کنند.

جبهه با بیرون رفتن شورای ملی سوریه (SNC) از گفتگوها ضعیف شد. این انشقاق موجب شد اخوان سوریه، "مصطفی سباق" و چهره مشهور "جورج صبرا" رئیس (SNC) کناره‌گیری کنند.

مامور پیشین سازمان ملل اخضر ابراهیمی شرح می‌دهد که دو طرف شرکت‌کننده در گفتگو، سوریه و مخالفین طرفدار سعودیه، هر دو راه حل نظامی را ترجیح دادند. او به اسپیکل گفت: سوریه‌ای‌ها آمدند که روسیه را قانع کنند که آن‌ها در حال پیروزی نظامی هستند.

و اضافه کرد که نمایندگان عربستان قبل از جلسه نخواستند با او ملاقات کنند.

- من فکر می‌کنم هر دو طرف از گفته‌های من در باره مذاکرات صلح و از خود گذشتگی دوجانبه، ناخشنود بودند.

جبهه ملی مسئله را بیشتر دچار بهم‌ریختگی کرد، زمانی که نماینده سوریه حاضر نشد درباره دولت انتقالی گفتگو شود. که در واقع هدف اصلی مذاکرات بود. دمشق فقط می‌خواست در باره تروریسم حرف بزند و عنوان می‌کرد که مخالفین همگی تروریست هستند و نه اپوزیسیون به معنای سیاسی آن.

لینا خطیب می‌گوید: به‌دام رژیم اسد نیافتید! رژیم خود جهادیسیم را از طریق بازکردن در زندان‌ها و کمک کردن به جهادی‌های داعش، به‌وجود آورد.

## نبود پناهنده در کشورهای خلیج

هیچ کشوری در خلیج پناهنده از سوریه نمی‌پذیرد. کشورهای همسایه بار رویدادهای فاجعه‌بار سوریه را به دوش می‌کشند. خیلی‌ها به سازمان ملل فشار می‌آورند که دولت‌های خلیج را وادار کنند که مرزهایشان را برای پناهنده‌ها باز کنند.

"الیزابت فرریس" که با مسئله پناهنده‌ها در بروکینگ کار می‌کند می‌گوید: میلیاردهای خلیج با بسته‌های دلار در ترکیه و اردن و اردوگاه‌های لبنان خود را نشان می‌دهند و ایجاد مشکل می‌کنند. آن‌ها نیت خوب دارند، اما می‌تواند باعث خون‌ریزی هم بشود، وقتی تعدادی کمک می‌گیرند اما بقیه نمی‌گیرند. فرستادن پول و اسلحه آسان‌تر از پناهنده‌پذیری است. اما دنیا باید به‌طور جدی از کشورهای خلیج بخواهد که پناهنده قبول کنند.

## فرو ریزی نهادها

منطقه‌های زیردست شورشیان دچار فروریزی نهادها شدند. و این موجب مهاجرت جمعی شد. جبهه‌النصره که از سعودی کمک می‌گیرد، در حالی که ادعا می‌کرد دولت جانشین تشکیل می‌دهد، نه نهادی برپا کرد و نه آن‌های موجود را حفظ کرد.

نبی‌العربی سکرتر جامعه عرب یک تیر زهری به سوی جبهه ملی سوریه رها کرد وقتی که گفت: آن‌ها نمی‌توانند در جامعه عرب جای سوریه را بگیرند چون نتوانسته‌اند هیچ نهاد دولتی‌ای به‌وجود بیاورند.

در سوریه و کشورهای همسایه‌اش کسانی بودند که تلاش کردند آن‌چه از جامعه پیشرفته و انستیتوهایش باقی مانده نجات بدهند، اما با مقاومت روبرو شدند.

یکی از کمک‌رسانان در لبنان می‌گوید: تعداد زیادی سوریه‌ای توانا، تحصیل‌کرده و صاحب‌انگیزه در این‌جا وجود دارند. اما عربستان سعودی کمک‌های انساندوستانه‌اش را تنها به کسانی می‌دهد که از گروه‌های مسلح داخل سوریه به ویژه از النصره و داعش، دفاع کنند.

در شهر مرزی ترکیه "قازیانتپ" قاضی مهاجر "انور مجانی" کار می‌کند. او دادگاه آزاد را نمایندگی می‌کند که وابسته به هیچ گروهی نیست. او می‌خواهد که قانون غیر مذهبی‌ای که در ۱۹۵۰ به تصویب پارلمان سوریه رسیده در مناطق آزاد شده به اجرا درآید، اما او از هر طرف مورد تهدید قرار گرفته است. گروه‌هایی مانند داعش، شورای شریعت و گروه‌های مختلف دیگر که توسط کشورهای شبه‌جزیره عربی یا ثروتمندان مسلمان سوریه‌ای پشتیبانی می‌شوند، با او مخالفند.

- پروژه ما ملی است. برای همه سوریه است. به همین دلیل ما را تهدید می‌کنند. در یک جامعه فروریخته، در مورد مسائل حقوقی باید به‌سرعت تصمیم گرفته شود و مستند گردند. اگر روزی کشور به یک آرامش رسید از آن بهره‌برداری شود. اسنادی چون سند مالکیت، قراردادهای بازرگانی، اسناد تولد و ازدواج و مرگ، اجاره‌خانه و غیره برای بازسازی جامعه در آینده لازم است. برای جلوگیری از نابودی اتنیکی در یک جامعه چند فرهنگی لازم است که سندهایی با مهر رسمی صاحبان ملک، زمین و دارایی‌های دیگر مشخص باشد.

بعد از عقب نشینی رژیم اسد از مناطق، قانون به‌دست شورشیان افتاد و اغلب بر اساس قوانین شریعت عمل می‌کردند که با هیچ قانون نوشته شده‌ای تطبیق نمی‌کرد. واحدهای ارتش در بیشتر موارد این مسائل را به دادگاه‌های شرعی ارجاع می‌دادند، چونکه گفته می‌شد قوانین رسمی بنیادی برای دیکتاتوری چهل ساله رژیم اسد بوده است.

"مجانی" که از طرف کونسرسیوم همکاری قانون بین‌المللی پشتیبانی می‌شود می‌گوید:

- آن‌ها نمی‌توانند رژیم اسد و دولت را از هم جدا ببینند. فکر می‌کنند همه دادگاه‌ها در دست رژیم است. اما مردم عادی سوریه می‌خواهند دادگاه‌های عادی دوباره کارشان را از سر بگیرند.

قوانین سوریه در دوران جمهوری طلایی (۱۹۴۹-۱۹۵۸) نوشته شده، قبل از این که به جمهوری عربی ناصر بپیوندد.

- قاضی‌ها و دادگاه‌های شریعت جدا از نیتشان، وکیل مدافع را قبول ندارند. دادگاه شرعی اغلب توسط کسانی ریاست می‌شود که سواد کافی ندارند. مردم عادی سوریه بر این باورند که قاضی شرع‌ها وقتی که انقلاب شد ریش گذاشته‌اند. انور مجانی با ریش از ته تراشیده این را می‌گوید.
  - شریعت اسلامی اشکالی ندارد. مسئله این است که از شریعت چه برداشتی می‌شود، چگونه تطبیق داده می‌شود. واحدهای ارتش دادگاه‌های خودشان را دارند که از فرماندهی آن‌ها تبعیت می‌کنند، اما با ما که حقوق خوانده‌ایم نمی‌توانند چنین معامله‌ای بکنند.
- شورای دادگاه سوریه از حمایت یک بازرگان سوری در خارج برخوردار است. حقوق‌دانان اسلامی هم با سکوتشان از آن‌ها حمایت می‌کنند، اما آن‌ها از سلفی‌ها میترسیدند. به‌رحال علیه دادگاه فتوا ندادند.
- یک فعال سوری به نام "رازان شهلوب‌الشرم" بین مرزهای سوریه و ترکیه در رفت و آمد است. او که مسئول یک سازمان آمریکایی سوری (Syrian Emergency Task) است، به دنبال حمایت غرب از کسانی است که حقوق لائیک می‌خوانند. اما حمله‌های داعش مانع از این شد که قاضی، وکیل و پلیس در مناطق زیر دست نیروهای مخالف آموزش داده شوند.
  - ما می‌خواهیم قوانین حقوق بشر و حقوق بشر بین‌الملل را به آن‌ها بیاموزیم. و این که چگونه می‌شود در یک دوران انتقالی این قوانین را با قوانین سوریه هماهنگ کرد. و همه این‌ها برای این که فهم عمیق‌تری از دموکراسی به‌وجود آید.
- البته این خانم از جانب داعش و النصره تهدید شده است.
- اگر آن‌ها مرا دستگیر کنند نمی‌دانم چکار باید بکنم! او با خنده‌ای بدون شادی این را می‌گوید.
- خیلی قبل از حمله داعش به موصل در عراق، او آینده سوریه را چنین توضیح می‌داد:
- داعش تلاش می‌کند سوریه را از طریق تسلط بر مرزها، آموزش، زنان و دادگاه‌های شرعی کنترل کند. همان کاری که طالبان در افغانستان کردند. داعش به همه کسانی که به او بیعت نمی‌کنند، مهر کافری می‌زند. اگر داعش حاکم شود اجازه نخواهد داد زن‌ها از خانه بیرون بیایند. و اگر بیایند، باید عبای سراپا سیاه و مقنعه بزنند. آن‌ها خطرناکند. اگر سازمان ملل از دادگاه‌های عادی و ادارات و پلیس در مناطق زیر دست مخالفین حمایت نکند، سوریه کاملاً از هم خواهد پاشید.

## مسئول اصلی حمام خون

عشیره اسد با دست آهنین بر سوریه حکومت کرده‌اند و از ۱۹۷۰ به بعد توسط مسکو حمایت شده‌اند. بعد از انقلاب ۱۹۷۹ ایران، دمشق متحد تهران شد. در ۱۹۸۰ دوست تازه‌ای به نام حزب‌الله لبنان پیدا



کرد. بعد از سرنگونی صدام دوستان ایران در بغداد به حکومت رسیدند. سال ۲۰۰۵ بشار اسد با بیانیه روشنفکران دمشق مبنی بر اصلاحات دمکراتیک مخالفت کرد. رژیم درخواست‌های صلح‌آمیز تظاهرکنندگان را در ۲۰۱۱ با سرکوب جواب داد. و تظاهرات شهر به شهر با مرکزیت حمس به مثابه پایتخت انقلاب، گسترش یافت. این فهرست در مورد جنایات‌های رژیم می‌تواند بسیار طولانی باشد. رژیم دمشق مسئول اصلی حمام خون سوریه است.

دولت ارتشی ۳۰۰ هزار نفری و هواپیماهای جنگی، موشک‌های اسکاد و بشکه‌های انفجاری در اختیار دارد. دولت از اسلحه گرسنگی علیه هزاران نفر استفاده کرده است. بشار اسد ترجیح داد بر خرابه‌های سرزمینش بنشیند، اما بر راحل دولت موقت تسلیم نشود. در این میان مخالفین هم به‌ویژه جهادی‌ها از جنایات جنگی بری نبوده‌اند. داعش اعدام‌های بدون محاکمه حتی در مورد بچه‌ها را به عهده دارد. در عراق و سوریه آن‌ها پشت انفجار ماشین‌های انتحاری و حمله‌های انتحاری علیه مردم عادی هستند. شکنجه، تبعیض در مورد زن‌ها و از بین بردن ساختمان‌های مذهبی از دیگر کارهای آنان است.

## افراطگرایی سوریه‌ای

زمانی‌که تظاهرات علیه بشار اسد شروع شد، بسیاری از غیر سنی‌ها، مسیحیان، روشنفکران علوی و شیعه از آن پشتیبانی کردند.

جرج صبرا رئیس رئیس (SNC) که خودش ارتدکس یونانی است می‌گوید:

- سوریه ۷۰ سال پیش بر بنیادهای دمکراتیک تشکیل شد. در ۱۹۴۶ استقلال یافت، اما در ۱۹۴۳ ما انتخابات چند حزبی داشتیم. کشور مدرنی است. سوریه یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های باستانی است. من ۶۵ ساله‌ام، اما هیچ وقت حس نکردم که عضو یک اقلیت در سوریه هستم. ما حتی یک بار نخست وزیر مسیحی داشتیم. بیش از ۴۰ سال است که مسیحی‌ها در اپوزیسیون هستند، مسیحی‌ها به زندان افتاده‌اند و همراه دیگر سوری‌ها زجر کشیده‌اند. افراطگرایی توسط رژیم اسد تقویت شد. افراطگرایی در مقابل خشونت بیش از اندازه رژیم و سکوت دنیای بیرون به‌وجود آمد. واقعیت این است که بیشتر سنی‌ها بودند که توسط سربازان رژیم یا گروه‌های شیعه ایرانی و حزب‌الله کشته شده‌اند.

در ملاقات ما در استامبول جرج صبرا ادامه می‌دهد:

- مجاهدین خارجی هدف‌های خودشان را دارند. آن‌ها به یک دولت دمکراتیک اعتقاد ندارند. می‌خواهند در سوریه تضاد را سکتاریستی کنند.

جنگ موجب ناراحتی بیش از اندازه مسیحی‌ها شد. به ویژه در مناطقی که افراطگرایان سنی حاکم شدند. جرج صبرا نمی‌خواهد آن را قوم زدایی بنامد. حمله به کیساها، آدم ربایی و قتل کشیش‌ها را او همچون کوشش برای اخذ باج می‌داند و نه قتل عام مسیحی‌ها. "البته اینجا و آنجا در صفوف انقلاب افراد شروری هستند که علیه مسیحی‌ها جنایت کرده‌اند".

رئیس کلیساهای سوریه جانب رژیم اسد را گرفته است. شاید به خاطر تامین امنیت مسیحی‌ها. کشیش‌ها می‌ترسند که بعد از سرنگونی رژیم چه پیش خواهد آمد؟

"سام ایشاک" اورتودوکس سوریه‌ای یکی دیگر از مسیحی‌های شناخته شده اپوزیسیون، رژیم اسد را به سکتاریسم متهم می‌کند. "دلیل من دوران دمکراتیک قبل از ۱۹۶۰ است".

او به صفوف (PYD) یک گروه کرد که شاخه سوری (PKK) است، پیوسته است. آن‌ها در شمال سوریه ۳ کانتون خودمیرتی به وجود آورده‌اند که از هر طرف محاصره است.

بسام ایشاک با ناامیدی (SNC) را ترک کرده است چون که این سازمان همراه با اخوان المسلمین از محکوم کردن دولت اسلامی خودداری کردند. او اضافه می‌کند:

- سوریه مسئله کردها و مسیحی‌ها را دارد، که باید حل شود. من خسته شدم که بشنوم باید صبر کرد برای بعد از سرنگونی بشار اسد. ما ۱۴۰۰ سال صبر کرده‌ایم. سلفی‌ها در "حسه‌که" در شمال شرقی سوریه به صورت سیستماتیک حمله کرده‌اند، امنیت ما به این بستگی دارد که چگونه از خود در مقابل سلفی‌های داعش و النصره محافظت کنیم. به همین دلیل با کردها همکاری می‌کنیم.

## مبارزه بر سر مسیر انرژی

در ورای مرزهای سوریه در سه طرف سه کشور وجود دارد که دارای بزرگترین ذخائر گاز طبیعی در جهان هستند. روسیه، ایران و قطر. قابل فهم است که مبارزه بر سر حمل و نقل گاز طبیعی از این منابع به اروپای تشنه انرژی باشد.

پیشتر قطر با رژیم اسد بر سر عبور لوله‌های گاز از قطر به مدیترانه وارد معامله شده بود. سلمان شیخ در دوحه می‌گوید: دو خط مورد نظر است. ایران و عراق خط لوله خود را به شرق سوریه رسانده‌اند، اما قطعه مهم آن برای وصل به مدیترانه هنوز ساخته نشده است. ایران و قطر هر دو برایشان مهم است که بعد از جنگ به خاطر منافع اقتصادی‌شان، روابط خوبی با دمشق داشته باشند. اما برای روسیه خوشایند نیست که ایران و قطر گازشان را به آسانی به بازار اروپا برسانند.

قطر باید گازش را به مایح تبدیل کرده و بار تانکرکشتی‌ها کرده به بازار آن سوی شبه جزیره عربی برساند و این معادل ۳۰٪ از قیمت تمام شده گاز است. در نبودن خط لوله، کشتی‌ها باید از تنگه هرمز به خلیج عدن و از آنجا به دریای سرخ و کانال سوئز بروند.

روسیه از این پروژه خط لوله ناراضی است، چرا که می‌خواهد خود به تنهایی کنترل جریان گاز به بازار مشترک اروپا را در دست داشته باشد.

یک ناظر سوری می‌گوید: این یکی دیگر از دلایل جنگ در سوریه است.

ترجمه: طیفور نوامبر ۲۰۱۴